

## Part One

## قسمت اول

## A. Match the pictures with phrases.

(الف) تصاویر را با جملات داده شده جور کنید.



a



b



c



d

b This gives us an easier life when there is no light.

لایت ن ایز دیر ون لایف ئیری ران آس گیوز دیس

این زندگی ما را راحت می کند وقتی که هیچ روشنایی نباشد.

c People use this to talk with someone in another place.

پلیس ایناذر این ساموان ویت تاک تو دیس یوز پی پل

مردم از این استفاده می کنند برای صحبت با کسی که در جایی دیگر است.

d We use this to take and keep pictures very easily.

ئیزی لی وری پیکچرز کیپ آند تیک تو دیس یوز وی

ما از این استفاده می کنیم تا خیلی آسان عکس بگیریم و نگه داریم.

a This helps us travel very fast to far places.

پلیس از فار تو فست وری ثرول آس هلیپس دیس

این به ما کمک می کند تا خیلی سریع به مکان های دور سفر کنیم.

## B. Can you order the devices based on the time of their making?

(ب) آیا می توانید این وسایل را بر اساس زمان ساخت آنها مرتب کنید.

	a	b	c
Camera c-a-b			
Light bulb c-b-a			
Telephone b-a-c			
Airplane b-c-a			

## Part Two

## قسمت دوم

A. Match the pictures with the words.

(الف) عکس‌ها و کلمات مربوط را مطابقت دهید.



a building  
یک ساختمان



a laboratory  
یک آزمایشگاه



scientists  
دانشمندان

B. Choose an appropriate adjective for each word above.

(ب) برای هر کلمه از بالا یک صفت مناسب بیابید.

modern building

Iranian scientists

old laboratory

## Conversation

## مکالمه

Roya and Mahsa are leaving the library.

رویا و مهسا در حال ترک کردن کتابخانه هستند.

Roya: When I came in, you were reading a book. What was it?

رویا: وقتی آمدم داخل، تو در حال خواندن کتاب بودی. آن چه (کتابی) بود؟

ایت واز وات بوک اِ ریدینگ وِر یو این کیم آی ون رویا

Mahsa: I was reading a book about famous Iranian scientists.

مهسا: من در حال خواندن یک کتاب در مورد دانشمندان مشهور ایرانی بودم.

ساین تیستز ئی ری نی ان فی مس اِ باوت بوک اِ ریدینگ واز آی مهسا

Roya: But such books are not very interesting.

رویا: اما چنین کتاب‌هایی خیلی جالب نیستند.

اینترستینگ وری نات آر بوکس ساچ بات رویا

Mahsa: At first I had the same idea, believe me!

مهسا: اولش، من هم همین عقیده را داشتم. باور کن!

می پلِیو آیدی سیم ذِ هَد آی فِرست ات مهسا

Roya: Did you find it useful?

رویا: آیا به نظرت مفید بود.

یوس فُل ایت فایند یو دید رویا

Mahsa: Oh yes. Actually I learned many interesting things about our scientists' lives.

لایوز ساین تیستس آور اِ باوت ثینگز اینترستینگ مِنی لِرِنْد آی اکچولِی یس اُ مهسا

مهسا: اوه. بله. در واقع، من چیزهای جالب زیادی در مورد زندگی دانشمندان مان یاد گرفتم.

Roya: Like what?

رویا: مثل چی؟

وات لایک رویا

Mahsa: For example Razi taught medicine to many young people while he was working in Ray Hospital.

هاسپیتال ری این ورکینگ واز هی وائلُ پی پل یانگ مینی تُو مدی سن تات رازی ایگزَمپِل فُر مَهِسا  
مَهِسا: برای مثال رازی وقتی که در بیمارستان ری کار می کرد به بسیاری از افراد جوان پزشکی تدریس می کرد

Or Nasireddin Toosi built Maragheh Observatory when he was studying the planets.

پُنیتُسُ ذِ ستادی اینگ واز هی وِن آبزو تری مراغه بیلتُ توسی نصرالدین اُر  
یا نصرالدین طوسی وقتی که در حال مطالعه سیارات بود رصدخانه مراغه را ساخت.

Roya: Cool! What was the name of the book?

رویا: چه خوب! اسم کتاب چی بود؟

بُک ذِ آو نِیم ذِ واز وات کول رویا

Mahsa: Famous Iranian Scientists.

مَهِسا: دانشمندان معروف ایرانی.

ساینتیستسُ ای ری نی پی فی مِس مَهِسا

### Questions

Answer the following questions orally.

به این سؤالات به صورت شفاهی پاسخ دهید.

1. Were Mahsa and Roya in a laboratory?

آیا مَهِسا و رویا در یک آزمایشگاه بودند؟

No, they weren't. they were in a library.

2. Who came to the library sooner, Mahsa or Roya?

چه کسی زودتر به کتابخانه آمد؟

Mahsa came to the library sooner.

3. Do you know any interesting story about famous scientists?

آیا شما هیچ داستانی از دانشمندان معروف ایرانی می دانید؟

No, I don't. / Yes, I do.

### New Words and Expressions ————— کلمات و اصطلاحات جدید

A. Look, Read and Practice.

نگاه کنید، بخوانید و تمرین کنید.



Melika **tries** hard to learn English.

اینگلیش لِرُن توهارْدُ تَرای ز ملیکا  
ملیکا سخت می کوشد انگلیسی یاد بگیرد.



Babak is an **energetic** boy.

بوی اِنِرْجِتیْک آن ایز بابک  
بابک یک پسر پر انرژی (فعال) است.



The students **do experiments** in the school laboratory.

لَبَرَتوری سُکول ذِ این اِکس‌پری‌مِنْتس دو سَتیودینتس ذِ  
دانش‌آموزان در آزمایشگاه مدرسه آزمایش انجام می‌دهند.



She is **doing research** on blood cells.

سِلز بِلاد آن رِی‌سِرچ دِواینگ ایز شی  
او دارد روی سلول‌های خون تحقیق می‌کند.



No **success** is possible without hard work.

ورک هارد ویت اُوت پَاسِیل ایز سِکسِس نْ  
هیچ موفقیتی بدون کار سخت ممکن نیست.



Children **grow up** rapidly.

رَپیدلی آپ گرو چیلدرن  
بچه‌ها به سرعت بزرگ می‌شوند.



He has the flu and **feels weak**.

ویک فیلز اُند فلو ذِ هز هی  
او آنفلونزا گرفته و احساس ضعف می‌کند.



Edison **invented** the first light bulb.

بالب لایت فِرست ذِ این‌وِنْتد اِدیسون  
ادیسون اولین لامپ را اختراع کرد.

## B. Read and Practice.

**solve:** to find an answer to a problem

پُرانیلم اِ تو اُنسِز اُن فایِنْد تو سالو

*We can help you solve your problems.*

پُرانیلمز یُر سالو یو هِلپ کُن وی

**develop:** to grow or change into a stronger, larger or better form

فُرام بَتر اُر لَاجِر سُترانگِر اِین‌تو چِینج اُر گرو تو دِی‌وِلُپ

*This book can develop your speaking skill.*

سُکیل سِپیکینگ یُر دِی‌وِلُپ کُن بوک دیس

**belief:** something that you believe

بلیو یو دَت سام‌ثِینگ بلیف

*Her belief in Allah gave her hope during difficult times.*

تایمز دِیفیکالت دِی‌یورینگ هُپ هر گِیو اَلله این بلیف هر

**quit / give up:** to stop doing something

سام‌ثِینگ دِواینگ سُتاپ تو آپ گِیو کوئیت

بخوانید و تمرین کنید.

حل کردن: پیدا کردن یک جواب برای یک مسئله

ما می‌توانیم به تو کمک کنیم مشکلات خود را حل  
کنی.

توسعه دادن: رشد دادن یا تغییر دادن به یک شکل  
قوی‌تر، بزرگتر یا بهتر.

این کتاب می‌تواند مهارت صحبت کردن تو را  
توسعه دهد.

اعتقاد، باور: چیزی که به آن اعتقاد دارید.

اعتقاد او به خدا در لحظات سخت به او امید داد.

تسلیم شدن / منصرف شدن: متوقف کردن

Fortunately, his father is going to quit smoking.

کاری سرانجام، پدر او قصد دارد سیگار را ترک کند.

سُموکیَنگ کوئیت تو گوایَنگ ایز فاڈِر هیز فُرچُونتِلی

He gave up his work without saying anything to us.

او بدون این که چیزی به ما بگوید از کارش منصرف شد.

آس تو اِنی\_تینگ سی\_ایَنگ ویث\_آوت وُرک هیز آپ گیو هی

**thousands of:** a large number of things or people

هزاران، تعداد زیاد: تعداد زیادی از چیزها یا مردم

پی\_پِل اُر\_تینگز آو نامِبِر لارج اِ آو تاوَزَنڈرُز

There are thousands of things I want to do.

هزاران چیز وجود دارد که من می‌خواهم انجام دهم.

دو تو وانت آی\_تینگز آو تاوَزَنڈرُز آر ذِر

## Reading

## خواندن

No Pain No Gain

گین ن پین ن

نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود

Human knowledge develops with scientists' hard work.

وُرک هارد ساین\_تِیسْتَس ویث دی\_وِلوِپَس نالِجْ هیومِن

دانش بشر با سخت‌کوشی دانشمندان توسعه می‌یابد.

Many great men and women try hard to find facts, solve problems and invent things.

تینگز\_این\_وِنْت اَنڈ پرائِلِمز سالو فکْتَس فاینْد تو هارد ترای وی\_مِن اَنڈ مِّن گریٹ مِنی

بسیاری از مردان و زنان سخت تلاش می‌کنند تا حقایق را بیابند، مسائل را حل کنند و چیزهایی اختراع کنند.

Some of these scientists did not have easy lives. But they tried hard when they were working on problems.

پُرائِلِمز اَن وُرکینگ وِر ذی وِن هارد ترایْنڈ ذی بات لایوُز ئی\_زی هُو نات دید ساین\_تِیسْتَس ذیز آو سام

بعضی از این دانشمندان زندگی‌های راحتی نداشتند. اما وقتی آنها در حال کار کردن بر روی مسائل بودند سخت تلاش می‌کردند.

They never felt weak when they were studying. They never gave up when they were doing research.

ریسرچ دواینگ وِر ذی وِن آپ گیو نِور ذی سْتادی\_ایَنگ وِر ذی وِن ویک فِلْت نِور ذی

آنها وقتی در حال مطالعه بودند هرگز احساس ضعف نکردند. آنها وقتی در حال تحقیق بودند تسلیم نشدند. (تحقیق را رها نکردند)

There are great stories about scientists and their lives. One such a story is about Thomas Edison.

ادیسِن تَامِس اِبَاوت ایز سْتوری اِ ساچ وان لایوُز ذِر اَنڈ ساین\_تِیسْتَس اِبَاوت سْتوری ز\_گریٹ آر ذِر

داستان‌های معروفی درباره دانشمندان و زندگی‌های آنان وجود دارد. یک چنین داستانی درباره ادیسون است.

As a young boy, Edison was very interested in science. He was very energetic and always asked questions.

کواسچَنز اسکُت آلویز اَنڈ اِنرجِٹیک وری واز هی ساینسُ این اینترسْتِد وری واز ادیسِن بوی یانگ اِ از

به عنوان یک پسر جوان، ادیسون به علوم پایه علاقمند بود. او بسیار پر انرژی بود و همیشه سوال می‌پرسید.

Sadly, young Edison lost his hearing at the age of 12.

توالو آو اِیج ذِ ات هییرینگ هیز لاسْت اِدیسِن یانگ سُدلی

متأسفانه، ادیسون نوجوان در سن ۱۲ سالگی شنوایی خود را از دست داد.

He did not attend school and learned science by reading books in the library himself.

هیْم سیلف لایبرری ذِ این بوکسُ ریدینگ بای ساینس لِرَنْد اَنڈ سَکول اَتَنْد نات دید هی

او در مدرسه حاضر نشد و علوم پایه را خودش با خواندن کتاب در کتابخانه یاد گرفت.



When he grew up he worked in different places, but he never lost his interest for making things.

تینگز میکینگ فُر اینترست هیز لاسْتُ نِور هی بات پلیس از دیفرنْتُ این ورکْتُ هی آپ گرو هی ون  
وقتی بزرگ شد در جاهای مختلفی کار کرد. اما هرگز علاقه‌اش را به ساختن چیزهای جدید از دست نداد.

Edison was famous for doing thousands of experiments to find answers to problems.

پرائلِمز تو آنسِرز فایند تو اکس پری منتس او ثاوزندز دواینگ فُر فی مس واز ادیسن  
ادیسون به خاطر انجام هزاران آزمایش برای پیدا کردن پاسخ برای مسائل مشهور بود.

He said, "I never quit until I get what I'm after".

آفتر آیم وات گت آی آنتیل کوئیت نِور آی سِد هی  
او می گفت: «من هرگز تسلیم نمی‌شوم تا آنچه را که به دنبالش هستم به دست بیاورم».

Edison had more than 1,000 inventions and was very successful at the end of his life.

لایف هیز او اند ذ ات سِکس فول وری واز آند این ون شنز وان ثاوزند ذَن مُر هَد ادیسن  
ادیسون بیش از ۱۰۰۰ اختراع داشت و در پایان عمرش فردی بسیار موفق بود.

Many great names had stories like this. But the key to their success is their hard work and belief in themselves.

ذم سلُوز این بلیف آند ورک هارد ذر ایز سِکس ذر تو کی ذ بات ذیس لایک ستوری ز هَد نیمز گریٹ مِنی  
بسیاری از اسامی معروف، داستان‌هایی مانند این داشتند. اما کلید موفقیت آنها سخت‌کوشی و خودباوری آنها است.

If you want to get what you want, work hard and never give up.

آپ گیو نِور آند هادر ورک وائت یو وات گت تو وائت یو ایف  
اگر شما می‌خواهید به آن چیزی که می‌خواهید برسید، به سختی کار کنید و هرگز آن را رها نکنید.

## Reading Comprehension

## درک مطلب

### A. Choose the best answer.

الف) بهترین پاسخ را انتخاب کنید.

1- Where did Edison learn science?

- a) In the library ✓ b) At school c) In the laboratory

۱- ادیسون کجا علوم پایه را یاد گرفت؟

الف) در کتابخانه ب) در مدرسه پ) در آزمایشگاه

2- How did Edison find answers to problems?

- a) By sleeping in the laboratory  
b) By doing many experiments ✓  
c) By quitting what he was after

۲- ادیسون چگونه پاسخ مسائل را پیدا می‌کرد؟

الف) با خوابیدن در آزمایشگاه

ب) با انجام دادن آزمایشات

پ) با منصرف شدن از چیزی که دنبالش بود.

3- Which is not true about scientists?

- a) They find facts  
b) They invent things  
c) They feel weak ✓

۳- کدام در مورد دانشمندان درست نیست؟

الف) آنها حقایق را پیدا می‌کردند.

ب) آنها چیزهایی اختراع می‌کردند.

پ) آنها احساس ضعف می‌کنند.

### B. True/False

ب) درست و نادرست

1- Edison finally lost his interest for inventing things.

F

۱- ادیسون سرانجام علاقه‌اش به اختراع چیزها را از دست داد.

2- Edison did not attend school at all.

F

۲- ادیسون اصلاً در مدرسه حاضر نشد.

3- Hard work is the key to scientists' success.

T

۳- سخت‌کوشی کلید موفقیت دانشمندان است.

### C. Match two halves.

- |   |   |  |
|---|---|--|
| 1- After Edison lost his hearing .....            | b | ۱- بعد از این که ادیسون شنوایی اش را از دست داد.....   |
| 2- when scientists were working on problems ..... | c | ۲- وقتی دانشمندان در حال کار کردن روی مسائل بودند..... |
| 3- If you like to be successful .....             | a | ۳- اگر شما می خواهید موفق شوید.....                    |
| a. you must not feel weak.                        |   | a- نباید احساس ضعف کنید.                               |
| b. he did not quit studying.                      |   | b- او مطالعه را ترک نکرد.                              |
| c. they did not give up.                          |   | c- آنها مسئله را رها نمی کردند.                        |
| d. he became a famous person.                     |   | d- او شخص معروفی شد.                                   |

## Grammar

## دستور زبان

### A. Read the following texts.

Tahereh Saffarzadeh was an Iranian writer, translator and thinker. When other kids were still playing outside, she learned reading and reciting the Holy Quran at the age of 6.

سیکسْ آو ایچِ ذِ اَتِ کُرانِ هُلیِ ذِ ری سایتینگِ اَندِ ریدینگِ لِرُنْدِ  
As a young student, she was working very hard to learn new things. She also was writing poems at that time. She published her first book while she was still studying in the university. She got interested in translating the Holy Quran when she was studying and teaching translation. She published her translation of the Holy Quran in 1380.

ثرتین ایتی این کُرانِ هُلیِ ذِ آوِ ثرَنس لی شِنِ هرِ پابلیشت  
Saffarzadeh passed away in 1387.

ترتین ایتی سون این اویِ پستِ صفارزاده

(الف) متن های زیر را بخوانید.

طاهره صفار زاده یک نویسنده، مترجم و متفکر ایرانی بود.  
وقتی که بچه های دیگر بیرون در حال بازی کردن بودند، او خواندن و قرآن تلاوت کردن را در سن ۶ سالگی یاد گرفت.

به عنوان یک دانش آموز نوجوان، او به سختی تلاش می کرد تا چیزهای جدید یاد بگیرد.

او همچنین در آن زمان در حال نوشتن شعر بود.

او اولین کتابش را در حالی که هنوز در دانشگاه درس می خواند منتشر کرد.

او هنگامی که در حال درس خواندن و درس دادن ترجمه بود به ترجمه قرآن کریم علاقه مند شد. او ترجمه قرآن کریم خودش را در سال ۱۳۸۰ منتشر کرد.

صفار زاده در سال ۱۳۸۷ درگذشت.

Alexander Fleming was a great researcher. He was doing research in his laboratory in winter 1928. He was trying to find a new medicine to save people's lives. He found a new medicine when he was working on antibiotics. This was the amazing penicillin. Many other doctors were also working on this medicine in those days. They helped the first patient with penicillin in 1942 when the flu was getting around.

ایراوند گتاینگ واز فلو دِ ون ناین تین فرتی تواین پنی سیلین ویت

C. Tell your teacher how 'past progressive' is made.

الکساندر فلمینگ یک محقق بزرگ بود.  
او در زمستان سال ۱۹۲۸ در حال تحقیق در آزمایشگاهش بود.  
او تلاش می کرد دارویی جدید پیدا کند تا زندگی مردم را نجات دهد.  
او وقتی که در حال کردن روی آنتی بیوتیک بود دارویی جدید پیدا کرد.  
این همان پنی سیلین شگفت انگیز بود. بسیاری از پزشکان دیگر هم در آن روزها در حال کار کردن روی این دارو بودند. آنها با پنی سیلین به اولین بیمار در سال ۱۹۴۲ وقتی که آنفولانزا در حال شیوع بود کمک کردند.

(پ) به معلمان بگویید «زمان گذشته استمراری» چگونه ساخته می شود.

D. Read the conversation on page 76 and underline all 'past progressive verbs'.

(ت) مکالمه صفحه ۷۶ را بخوانید و زیر فعل های زمان گذشته استمراری خط بکشید.

were reading  
was reading

working  
was studying

E. Read the following paragraph and choose the best verb forms.

(ث) پاراگراف زیر را بخوانید و بهترین شکل فعل را انتخاب کنید.

It was raining yesterday. I was **sitting/sit** in the living room.

دیروز داشت باران می بارید. من نشسته بودم / می نشینم در اتاق پذیرایی.

I **watched/was watching** a movie about a great scientist, Ghiyath al-Din Jamshid Kashani.

من تماشا کردم / داشتم تماشا می کردم فیلمی درباره یک دانشمند بزرگ غیاث الدین جمشید کاشانی.

He was a great inventor. He was from Kashan. His father was a doctor.

او مخترع بزرگی بود. او اهل کاشان بود. پدرش یک پزشک بود.

Jamshid **is/was** very interested in numbers and planets.

جمشید به اعداد و سیارات بسیار علاقه مند است / بود.

Actually, he **invented/invent** many interesting things when he **was solving/solved** math problems.

در واقع او چیزهای جالب زیادی اختراع کرد / اختراع می کند وقتی که او داشت حل می کرد / حل کرد مسایل ریاضی را.

Sadly, this scientist **has/had** a very short life. Someone **was killing/killed** him when he **worked/was working** in his observatory. He was/is only 42 years old.

متأسفانه، این دانشمند عمر بسیار کوتاهی دارد / داشت. شخصی او را داشت می کشت / کشت وقتی که او کار کرد / داشت کار می کرد در رصدخانه اش. او فقط ۴۲ سال داشت / دارد.



## G. Pair up and talk about the things you were doing at the given times.

- ج) گروه‌های دوفره تشکیل بدهید و در مورد کارهایی که در زمان‌های مشخص شده در زیر در حال انجام آن بوده‌اید صحبت کنید.
1. Yesterday at 5 **I was watching a movie.** دیروز ساعت ۵، من در حال تماشای فیلم بودم.
  2. When the teacher came in, **we were talking.** وقتی که معلم وارد شد، ما در حال صحبت کردن بودیم.
  3. This morning at 5:30, **I was sleeping.** امروز ساعت ۵:۳۰، من در حال خوابیدن بودم.
  4. When my father came home, **I was reading a novel.** وقتی که پدرم آمد خانه، من داشتم یک داستان بلند می‌خواندم.

## Listening and Speaking گوش کردن و صحبت کردن

A. You may use 'simple past' and 'past progressive' together to narrate a story. Past progressive is sometimes used to give background/ situation to the story.

الف) ممکن است شما از زمان‌های «گذشته ساده» و «گذشته استمراری» با هم برای نقل کردن داستان استفاده کنید. گذشته استمراری گاهی اوقات مورد استفاده قرار می‌گیرد تا به داستان موقعیت بدهد یا زمینه بخش آن باشد.

Last night at 8 o'clock we were sitting in the hall.

هال ذِ این سیتینگ وِ وی اُکلاک ایت اَت نای لُست

We were talking about our day. Suddenly we heard a noise.

نویز اِ هِرُدْ وی سادِن لی دِی آور اِبوت تاکینگ وِ وی

My father went out to see what was making the noise.

نویز ذِ میکینگ واز وات سی تو اوت ونت فاڈر مای

When my father was walking in the yard,

یارْد ذِ این واکینگ واز فاڈر مای وِن

we went to the kitchen. We saw a kitty in the kitchen.

کیچِن ذِ این کیتی اِ سا وی کیچِن ذِ تو وُنْتُ وی

It was eating a cookie. Poor kitty was hungry.

هانگْری واز کیتی پُر کوکی اِئی تینگ واز ایت

You may use the following patterns to ask and answer about stories that happened in the past.

ممکن است شما از الگوهای زیر را برای سؤال کردن و پاسخ دادن در مورد داستان‌هایی که در گذشته اتفاق افتاده است، استفاده کنید.

What were you doing (yesterday at 8)?

What was happening (yesterday at 8)?

تو (دیروز ساعت ۸) در حال انجام چه کاری بودی؟

(دیشب ساعت ۸) چه اتفاقی در حال رخ دادن بود؟

## B. Listen to the following conversations and check the correct answer.

ب) به مکالمه‌های زیر گوش دهید و پاسخ صحیح را علامت بزنید.

## Conversation 1

1. Leila was ☒ walking home ☐ taking a taxi  
 2. The driver was ☐ careful ☒ careless

## Conversation 2

1. Amir went ☒ shopping ☐ playing  
 2. Amir was walking ☐ in a restaurant ☒ at bazar

## Pronunciation

## تلفظ

A. Listen to the following sentences. Notice how the speakers say some words with more emphasis.

(الف) به جمله‌های زیر گوش کنید. توجه کنید که شخص گوینده چگونه برای تأکید بعضی کلمات را بیان می‌کند. (دانلود فایل صوتی)

1. Were you doing the research? No, Ali was. آیا تو در حال انجام تحقیق بودی؟ نه، علی بود.

واز علی ن ریسرچ ذ دواینگ یو ور

2. Who broke the window? It wasn't me. چه کسی پنجره را شکست؟ من نبودم.

می وازنت ایت ویند ذ بُرک هو

3. Why were the students making so much noise? They weren't. The workers were making noises.

نویز میکینگ ور ورکرز ذ ورنٹ ذی نویز ماچ س میکینگ ستیوڈنت ذ ور وای  
 چرا دانش‌آموزان این قدر سر و صدا می‌کردند؟ آنها نبودند. کارگران سر و صدا می‌کردند.

4. Is it Jim's car over there? No, his car is white. آیا آن اتومبیل جیم است که آنجاست؟ نه، اتومبیل او سفید است.

وایت ایز کار هیز ن ذر اُور کار جیمز ایت ایز

B. One word in each sentence is red. Say the sentence with emphatic stress on that word. Can you guess how the meanings of the sentences are different? (دانلود فایل صوتی)

(ب) یک کلمه در هر جمله قرمز است. جمله‌ها را با استرس تأکیدی بر روی آن کلمه بگویید. آیا می‌توانید حدس بزنید معنی جمله چطور فرق می‌کند؟

1. Mina's dress is white. ۱- لباس مینا سفید است. (نه لباس شخص دیگری)  
 2. Mina's dress is white. ۲- لباس مینا سفید است. (نه چیز دیگری)  
 3. Mina's dress is white. ۳- لباس مینا سفید است. (نه رنگ دیگری)

## Writing

## نوشتن

A verb is a word that expresses an action or a state of being.

فعل کلمه‌ای است که انجام کار یا روی دادن حالتی را بیان می‌کند.

- 1) Action verbs:

(۱) افعال کششی

The verbs that express an action. For example:

فعل‌هایی که یک فعالیت را بیان می‌کنند. برای مثال:

He **is writing** a letter.

او در حال نوشتن یک نامه است.



The children **went** to school by bus yesterday.

بچه‌ها دیروز با اتوبوس به مدرسه رفتند.



My brother **drinks** milk every day.

برادر من هر روز شیر می‌نوشد.



2) State verbs:

(۲) افعال حسی

The verbs that express a state rather than an action. They usually relate to emotions, thoughts, and senses.

فعل‌هایی که حالتی را بیان می‌کنند نه یک عمل فیزیکی. این‌ها معمولاً به احساسات، افکار و مفاهیم اشاره دارند.

We **believe** in Allah.

ما به خدا اعتقاد داریم.



We **love** our country.

ما کشورمان را دوست داریم.



She **feels** happy.

او خوشحال است.



### Simple and Continuous Forms

شکل‌های ساده و استمراری

1) We can use the simple or the continuous form of **action verbs**:

می‌توانیم شکل ساده یا استمراری افعال حرکتی استفاده کنیم.

■ I **cleaned** my room yesterday.

دیروز اتاقم را تمیز کردم

■ I **am cleaning** my room now.

اکنون مشغول تمیز کردن اتاقم هستم.

2) We usually use simple form rather than the continuous form of **state verbs**:

برای افعال حسی به جای شکل استمراری معمولاً از شکل ساده استفاده می‌کنیم.

■ I **don't know** the name of the street.

اسم خیابان را نمی‌دانم.

■ Kids **love** chocolate.

بچه‌ها شکلات دوست دارند.

### B. Read the following sentences and choose the best verb forms:

(ب) جملات زیر را بخوانید و بهترین شکل فعل را انتخاب کنید.

1. I (**don't like** / am not liking) reading newspapers.

من (دوست ندارم / در حال دوست نداشتن) خواندن روزنامه‌ها را.

2. At 3 o'clock yesterday, I (**needed** / was needing) a taxi.

دیروز ساعت سه من (نیاز داشتم / در حال نیاز بودم) یک تاکسی.

3. She (watches / **is watching**) television at the moment.

او (تماشا می‌کند / در حال تماشا است) تلویزیون را در این لحظه.

4. I (**want** / am wanting) to go to the cinema tonight.

من (می‌خواهم / در حال خواستن) بروم به سینما امشب.

5. Unfortunately, he (**didn't remember** / wasn't remembering) my name.

متأسفانه او (بیاد نمی‌آورد / در حال بیاد نیاوردن بود) اسم مرا.

### What you learned ————— آنچه آموختید

#### A. Listen to the first part of a story.

(الف) به بخش اول داستان گوش کنید.

1. Fill in the blanks based on what you just heard.

جاهای خالی را با توجه به آنچه شنیده‌اید کامل کنید.

Sajjad was taking pictures yesterday at **the park**.

سجاد دیروز داشت در پارک عکس می‌گرفت.

When he was taking pictures **fire fighters** came to help.

وقتی که او داشت عکس می‌گرفت، آتش‌نشان‌ها برای کمک آمدند.

2. Listen again and list 'past progressive verbs'.

دوباره گوش کنید و فعل‌های ماضی استمراری را بنویسید.

**was taking- was walking- was waiting**

#### B. Now listen to the rest of the story.

(ب) اکنون به ادامه داستان گوش کنید.

The firefighters jumped out of their cars. They **were working** quickly. They **were putting** out the fire. People **were standing** near the building. They were watching the fire. It was dangerous. Sajjad put his camera aside and asked people to leave. The firefighters put out the fire when he **was talking** with people.

آتش‌نشان‌ها از ماشین‌هایشان بیرون پریدند. آنها سریع کار می‌کردند. آنها آتش را خاموش می‌کردند. مردم در کنار ساختمان ایستاده بودند. آنها آتش را تماشا می‌کردند. آن خطرناک بود. سجاد دوربینش را کنار گذاشت و از مردم درخواست خروج کرد. آتش‌نشانان آتش را خاموش کردند هنگامی که او با مردم صحبت می‌کرد.

3. Underline all 'past progressive verbs'.

زیر همه‌ی فعل‌های ماضی استمراری خط بکشید.